

فصلنامه علمی «پژوهش انحرافات و مسائل اجتماعی»

شماره هشتم، تابستان ۱۴۰۲: ۱۹۴-۱۶۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۱۷

نوع مقاله: پژوهشی

## سنخ‌شناسی طلاق بر اساس تجربه زیسته زوجین طلاق‌گرفته (مورد مطالعه شهر خرم‌آباد)

کرم‌الله جوانمرد\*

### چکیده

خانواده به عنوان مهم‌ترین نهاد تاریخ اجتماعی بشر، در دوران اخیر درگیر مسائل جدی شده است. در این بین طلاق، پدیده‌ای است که در پنج آسیب کلان و دارای اولویت کشور جای گرفته است. هدف پژوهش حاضر، مطالعه تجربه مردان و زنان از طلاق در شهر خرم‌آباد بود که با روش‌شناسی کیفی و استفاده از روش نظریه زمینه‌ای انجام شد. به این منظور، سی مرد و زن طلاق‌گرفته شهر خرم‌آباد با روش نمونه‌گیری هدفمند و استراتژی گلوله برفی انتخاب شد. داده‌های پژوهش با استفاده از مصاحبه‌های عمیق و نیمه‌ساختاریافته جمع‌آوری شده است. همچنین تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها در سه مرحله کدگذاری باز، کد محوری و کدگذاری گزینشی صورت گرفته و از این فرایند، داده‌های زیر استخراج شد: طلاق عقلانی جاه‌طلبانه، طلاق عقلانی فاعلانه، طلاق عقلانی توافقی، طلاق عقلانی منفعلانه، طلاق غیر عقلانی شتاب‌زده و اجباری، پیامدهای پس از طلاق، شکست و سقوط مالی، نداشتن شغل هنگام طلاق، برچسب اجتماعی، انزوا و طرد اجتماعی، مورد اتهام قرار گرفتن، ابژه جنسی قرار گرفتن، تغییر جایگاه، نیازهای عاطفی و جنسی، بازیابی خود، مدیریت ارتقای اجتماعی، معاشرت‌های همگون، عدم بیان طلاق، تحلیل و تفسیر آن، آخرین راه‌چاره واقعیت‌پدیدار شده بیانگر سنخ‌های متنوع برآمده از ساختار و عاملیت توأمان برای افراد مطلقه است. سنخ‌های بررسی‌شده از طلاق، بیش از هر چیزی طلاق را به مسئله‌ای پیچیده و چندبعدی بدل کرده است.

**واژه‌های کلیدی:** طلاق، ساختار و عاملیت، نظریه زمینه‌ای، خرم‌آباد.

\*استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه حضرت ایت‌الله العظمی بروجردی، بروجرد، ایران k.javanmard@abru.ac.ir



## مقدمه

جهان معاصر یا به عبارتی زیست‌جهان متنوع اجتماعی کنونی بشر در تنوع بخشیدن به صورت‌بندی‌های متنوع واقعیت‌های اجتماعی و هنجارهای اخلاقی، خلق فرم‌های زیستن جدید، بازاندیشی و تحول نهادهای مختلف اجتماعی فرهنگی از جمله حوزه خانواده، طغیان‌گر و البته چندساحتی عمل می‌کند. این صورت جدید زندگی، تغییرات گرایش جدی بشر را در فرایند بازآفرینی ارزشی- فرهنگی درگیر کرده است؛ ساخت واقعیت اجتماعی که در آن گویی نهاد خانواده بیش از هر زمان دیگری دچار مسائل جدی شده است. سبک‌های نوین زندگی در سپهر معنایی خود پایه‌های حفظ و نگهداشت نهاد خانواده را سست و متزلزل نموده است. طلاق، واقعیتی اجتماعی در حال شیوع می‌باشد. این موضوع در نگاه اول، بیانگر دگرگونی زندگی اجتماعی و به خطر انداختن نقش خانواده به عنوان نهادی بااهمیت در جامعه است؛ فرمی از زیست اجتماعی که در حال رشد بوده و شکلی جهانی پیدا کرده است. این مسئله اجتماعی حالا دیگر تبدیل به دغدغه‌ای اجتماعی در جامعه جهانی شده است (بهشتیان و عبدی، ۱۴۰۱: ۷۲؛ Oseghale & et al, 2024: 8).

آمار کلیدی طلاق در سال ۲۰۲۴ نشان می‌دهد که در مجموع ۶۸۹۳۰۸ طلاق در ۴۵ ایالت آمریکا - که این آمار را گزارش می‌کنند - رخ داده است. در همان سال، ۱,۹۸۵,۰۷۲ ازدواج رخ داد که نرخ ازدواج در ایالات متحده را شش در هر هزار نفر می‌سازد. همچنین آماري مستند در این کشور نشان می‌دهد که تقریباً نیمی از ازدواج‌ها به طلاق ختم می‌شود. همچنین ازدواج دوم و سوم در واقع با نرخ بسیار بالاتری با شکست مواجه می‌شود (آمار جهانی طلاق، ۲۰۲۴).

در ایران نیز آمار طلاق نگران‌کننده است. بر اساس آمار سازمان ثبت احوال کشور در چهارماهه نخست سال ۱۴۰۲، تعداد ۱۹۹ هزار و ۷۲۴ ازدواج و در مقابل ۶۵ هزار و ۳۵۴ طلاق روی داده است. بر این اساس می‌توان گفت که نسبت طلاق به ازدواج حدوداً یک‌سوم است؛ یعنی از هر سه ازدواج، یک مورد به طلاق منتهی شده است. به عبارت دیگر در مقابل هر صد ازدواج، حدود ۳۲ مورد طلاق اتفاق افتاده است (پایگاه خبری آفتاب به

نقل از سازمان ثبت احوال کشور<sup>۱</sup>، ۱۴۰۲). استان لرستان نیز از وضعیت موصوف مستثنی نبوده و آمار رشد طلاق در استان لرستان نیز در حال تبدیل شدن به مسئله‌ای اجتماعی است. خبرگزاری ایرنا به نقل از مدیر کل ثبت احوال استان لرستان گزارش می‌دهد که در سال ۱۴۰۲ در هر شبانه‌روز، ۳۶ ازدواج در استان به ثبت رسیده و میانگین سن ازدواج‌های ثبت‌شده برای مردان، ۲۸/۶ سال و برای زنان ۲۳/۴ سال بوده است. طی این مدت نیز تعداد ۲ هزار و ۳۱۳ مورد طلاق به ثبت رسیده که در هر شبانه‌روز به طور متوسط تعداد ۱۲ واقعه طلاق به ثبت رسیده و میانگین سن طلاق در استان برای مردان تقریباً ۳۷ و برای زنان نیز تقریباً ۳۲ سال بوده و تعداد ۱۷۶ مورد یعنی ۷/۶ درصد از طلاق‌ها نیز کمتر از یک سال بوده است (خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران (ایرنا)، ۲، ۱۴۰۲).

آمار گزارش‌شده و مسئله‌مندی طلاق و قرار گرفتن آن در میان پنج آسیب اجتماعی اولویت‌دار کشور به نظر می‌رسد اهمیت پرداختن به این موضوع را بیش از پیش نشان می‌دهد. تعداد زیادی از مردم و مسئولان درباره بحران کاهش شدید ازدواج و مولید و به تبع آن ناپایداری نهاد بااهمیت خانواده سخن گفته و اعتقاد دارند که بایستی برای کاهش طلاق، تدبیری عاجل کرد. انتخاب طلاق و رخداد آن، پدیده‌ای نیست که بتوان بدون نادیده گرفتن سنخ‌های مختلف آن، موضوع را مقوله‌بندی و تبیین کرد. این پژوهش به دنبال به تصویر کشیدن جهان زیست و سناریوی زنان و مردان طلاق‌گرفته از این شکل از انتخاب است. در واقع زوجین طلاق‌گرفته به چندین سنخ مختلف تقسیم می‌شوند. بنابراین مسئله کلی قابل طرح در پژوهش، این است که فرایند شکل‌گیری طلاق در شهر خرم‌آباد و تجربه زوجین چگونه است؟ افراد طلاق‌گرفته با چه انگیزه‌هایی، این تجربه را انتخاب نموده‌اند؟ چه تجربه و فهمی از فرایند طلاق در شهر خرم‌آباد دارند؟ افراد چگونه با این تجربه کنار آمده و از آن مهم‌تر اینکه چگونه می‌توان بر اساس بازنمایی طلاق، تحلیلی درست از سنخ‌های مختلف طلاق در شهر خرم‌آباد ارائه کرد.

### پیشینه پژوهش

خلاً وجود تحقیقاتی سنخ‌شناسانه در این حیطة سبب شده است که بسیاری از

1. <https://aftabnews.ir/fa/news/>  
2. <https://www.irna.ir/news/>

مسئولان و سیاست‌گذاران اجتماعی، همه اشکال طلاق را به یک چشم بنگرند و از این‌رو راهکارهای یکسانی ارائه نمایند و از درک پیچیدگی‌های واقعیت‌های اجتماعی غافل بمانند. در ادامه به برخی از مهم‌ترین این مطالعات متناسب با پرسش‌های پژوهش اشاره می‌شود.

اوسگاله<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۲۴) در پژوهش خود در کشور نیجریه بر اثرات مخرب طلاق بر خانواده و نقش مددکاری در احیای خانواده تأکید داشتند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که طلاق بر زوجین و فرزندان، اثرات بسیار ناگواری داشته و باید خدمات مددکاری به همان اندازه که به فرزندان توجه داشته، به زوجین نیز ارائه شود؛ زیرا مردان و زنان نیز مانند کودکان تحت تأثیر پیامدهای مخرب طلاق هستند.

رینالدو<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۲۴) از کشور اندونزی، نقش نابرابری‌های طبقاتی را روایت‌های طلاق افراد طلاق‌گرفته بررسی نموده است. نتایج پژوهش وی نشان می‌دهد که زوج‌هایی که تحصیلات کمتر و پیش‌زمینه‌های کم‌درآمدی دارند، راحت‌تر طلاق را می‌پذیرند. همچنین زنان تحصیل‌کرده به دلیل توانایی مالی و داشتن شغل به هر قیمتی برای رهایی از ازدواج‌های بد تأکید می‌کنند.

پژوهش کیفی دیگری را مندوزا<sup>۳</sup> و همکارانش در سال (۲۰۲۰) درباره وضعیت طلاق در کشور مصر، طراحی و اجرا نمودند. بیشتر زنان در پیامدهای مثبت طلاق و نگرش به طلاق از واژه آزادی پس از طلاق می‌گویند. اینکه اغلب پس از طلاق، احساس آزادی می‌کنند و به هویت قبلی واقعی خود بازگشته‌اند. برای مثال از واژه‌ها و جمله‌های این‌چنینی استفاده می‌کنند: «من دوباره خودم شدم»، «آزادی، من می‌توانم یک انسان باشم». بیشتر زنان تحقیق ابراز داشتند که با طلاق توانسته‌اند احساس قدرت و آرامش بیشتری داشته باشند، نسبت به آینده امیدوارتر باشند، از نظر مالی به استقلال بیشتری برسند، از خود و فرزندانشان بهتر مراقبت کنند و زندگی بهتری برای خودشان بسازند.

کروک<sup>۴</sup> (۲۰۲۱) در پژوهش خود به دنبال بررسی ناپیوستگی میان روابط پدر و فرزند، قبل و بعد از طلاق بود. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که از میان هشتاد پدر غیر حضانت، بین روابط پدر و فرزند قبل و بعد از طلاق، ناپیوستگی قابل توجهی وجود دارد،

- 
1. Oseghale
  2. Rinaldo
  3. Mendoza
  4. Croc

به طوری که آن دسته از پدرانی که در طول ازدواج، بیشتر با فرزندان خود درگیر بوده و به آنها دل‌بسته‌اند، پس از طلاق، بیشترین احتمال را دارند که ارتباط خود را از دست بدهند. در جایی که رابطه پدر و فرزند قبل از طلاق شدید بود، عواقب طلاق و سازگاری پدران با این پیامدها احتمالاً بسیار مشکل‌ساز خواهد بود.

ون وینکل<sup>۱</sup> (۲۰۲۱)، تمرکز پژوهشی خود را بر «بررسی اندازه خانواده و رفاه اقتصادی پس از طلاق: ایالات‌متحده از دیدگاه تطبیقی» با هدف شناخت، تغییر در درآمد ناخالص خانوار را تا شش سال پس از طلاق بر اساس تعداد فرزندان خانواده، طبقه‌بندی شده برآورد کرد. یافته‌ها نشان می‌دهد که درآمد خانوار زنان دارای سه فرزند یا بیشتر در ایالات‌متحده، آلمان و بریتانیا به شدت کاهش می‌یابد. در این کشورها، طلاق شکاف اقتصادی بین آنها را افزایش می‌دهد.

موضوع طلاق در بخش پیشینه‌های داخلی نیز تنوع بسیاری دارد:

بهشتیان و عبدی (۱۴۰۱) با این پیش‌فرض که ویژگی‌های شخصی و صمیمیت می‌تواند در پیش‌بینی طلاق اهمیت داشته باشد، پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه ویژگی‌های شخصی و صمیمیت به عنوان پیش‌بینی‌کننده‌های میل به طلاق در زنان ساکن شهر تهران» به انجام رسانده‌اند. نتایج این پژوهش نشان داد که ویژگی‌های شخصی و سبک‌های صمیمیت به صورت مثبت، طلاق را پیش‌بینی می‌کند. همچنین با افزایش نمره فرد در ویژگی‌های شخصی و صمیمیت، طلاق کاهش می‌یابد.

فولادیان و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهش خود به دنبال تحلیلی جامعه‌شناختی از فرایندهای بروز رابطه فرازنشویی در میان زنان و مردان متقاضی طلاق در شهر مشهد بودند. یافته‌های این مطالعه، پنج مدل فرایندی بوده است که پس از دریافت هفده روایت از زنان و مردان دارای رابطه فرازنشویی و متقاضی طلاق که دلیل تقاضای جدایی آنان، برقراری روابط فرازنشویی بوده است، ترسیم مدل‌های اختصاصی برای هر کدام از آنان و در نهایت بعد از قرارگیری مدل‌های فرایندی استخراج‌شده از مصاحبه‌ها در سطح انتزاعی‌تر به دست آمده است. این مدل‌های فرایندی، حاصل وجود پیگیری‌های مشابه میان روایت‌های مصاحبه‌شوندگان، ترکیب مدل‌های ترسیم‌شده،

انتزاع و تحلیل روایت‌های به‌دست‌آمده از مصاحبه‌شوندگان است. فرایندهای استخراج‌شده شامل شرایط آنومیک جامعه، کودک‌همسری، تعارض زوجین در فرهنگ جنسی، تعارضات در روابط زناشویی و شکاف مذهبی فرد با خانواده است.

توجه و تأکید شفيعی‌نیا و همکاران (۱۴۰۰) بر تجربه زیسته زنان مطلقه با طلاق‌های غیر منتظره بود. یافته‌های تحقیق از ۱۶۲ کد اولیه، ۱۱ مضمون فرعی و ۴ مضمون استخراج شد. مضمون اصلی ازدواج، یک تعهد مادام‌العمر، دو مضمون فرعی باور به تداوم و ثبات ازدواج و باور به داشتن یک زندگی خوب اما مواجه شدن با بدترین اتفاقات را شامل می‌شود. دومین مضمون اصلی شامل تغییرات رابطه از بهترین دوست تا غریبه کامل از پنج مضمون فرعی پایان ناگهانی و غیر منتظره، دوگانگی پیام‌ها و بازی‌های روانی، شکسته شدن فرضیه‌ها، خیانت و نقش مسائل و طلاق خانواده اصلی در طلاق شرکت‌کنندگان را نیز شامل می‌شود. سومین مضمون اصلی، خود دارای دو مضمون فرعی واکنش‌های عاطفی به ترک شدن و آسیب‌های طلاق غیر منتظره بود. چهارمین و آخرین مضمون اصلی، بازسازی زندگی و سازگاری با طلاق بود که دو مضمون فرعی روش‌های کارآمد سازگاری با طلاق و روش‌های ناکارآمد سازگاری با طلاق را شامل شد.

عبداللهی و همکاران (۱۳۹۹) نیز به مطالعه تجربه طلاق از منظر زوجین مطلقه در شهر تهران (در پنج سال اول زندگی) پرداختند. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که زمینه‌ها و بسترهای اقدام به طلاق در پنج سال اول زندگی از منظر پاسخگویان، مواردی نظیر نقصان‌های فردی شامل مسئولیت‌گریزی، بدبینی، پنهان‌کاری و فریب، عزت‌نفس پایین، پرخاشگری، نقصان‌های تعاملی زوجین نظیر فقدان صمیمیت زناشویی، توقعات بالا، نداشتن تعهد در قبال همسر، نارضایتی جنسی، قهر و متارکه مکرر، تداوم سبک زندگی مجردی، جابه‌جایی نقش‌ها، انعطاف‌ناپذیری، بی‌اعتمادی متقابل، مستقل نبودن از خانواده اصلی و در نهایت نقص ارتباطی با خانواده مبدأ و الگوگیری نامناسب است.

با نگاه تحلیلی به پیشینه‌های پژوهش می‌توان به مسئله طلاق و سنخ‌شناسی آن اشاره کرد و همین امر اثبات می‌کند که در تحقیقات داخلی و خارجی، دستیابی و راه‌حل این مسئله بسیار مهم است. هرچند به نظر می‌رسد که بیشتر پژوهش‌ها به علل پرداخته و دسته‌بندی‌های جدید ارائه نشده و از ارائه راه‌حل‌های جدی نیز بازمانده‌اند.

## مفاهیم حساس نظری

### سنخ‌شناسی طلاق<sup>۱</sup>

در این قسمت به بررسی شاخص‌های سنخ‌شناسی طلاق اشاره می‌شود:

#### طلاق عقلانی<sup>۲</sup>

این سنخ طلاق خود به چهار دسته «طلاق جاه‌طلبانه»<sup>۳</sup>، «طلاق فاعلانه»<sup>۴</sup>، «طلاق توافقی»<sup>۵</sup> و «طلاق منفعلانه»<sup>۶</sup> تقسیم می‌شود. مشخصه اصلی و کلی این سنخ، همان‌گونه که از نامش پیداست، عقلانیت موجود در آن از نگاه کنشگران است. برای کنشگرانی که در این دسته جای می‌گیرند، طلاق، امری عقلانی قلمداد می‌شود.

از نظر بیکر<sup>۷</sup> (۱۹۷۶)، افراد زمانی تصمیم به ازدواج می‌گیرند که باور کنند در صورت ازدواج کردن، منافع آنان بیش از زمان مجردی است و همین محاسبه در باب تصمیم به طلاق نیز وجود دارد. از سویی، عقلانی خواندن کنش باید با حدی از وسواس و دقت نظری همراه باشد، زیرا از نظر وبر، کنش عقلانی را کنشی بدانیم که فاعل آن، به اثر فعل خود و پیامدهای آن آگاه باشد (کرایب، ۱۳۸۲: ۱۰۰).

#### طلاق عقلانی - جاه‌طلبانه

با تحلیل طلاق‌های جاه‌طلبانه می‌توان فراتر از متن حرکت کرد و زمینه‌های اجتماعی سازنده آن را نیز هدف واکاوی و تحلیل قرار داد؛ زیرا اساساً کنش هر سوژه‌ای در دل زمینه اجتماعی برسانده‌اش معنا می‌یابد و تحولات آن را نیز باید بر همین مبنا در نظر گرفت. بر این اساس زمینه‌های اجتماعی در حال تغییر در جامعه ایرانی، در بروز و گسترش اینگونه طلاق‌ها در سال‌های اخیر بسیار مؤثر بوده است. از آن جمله تغییرات اجتماعی مختلفی است که زمینه‌ها و بسترهای جدیدی را در جهت شکل‌گیری فضاهای ارتباطی در لایه‌های پنهان شهری مهیا کرده است. برای مثال افزایش تحصیلات در سال‌های اخیر و ورود دختران و زنان به عرصه‌های اجتماعی، به تدریج

1. Etiology of divorce
2. Rational divorce
3. Ambitious Divorce
4. Active divorce
5. Consensual divorce
6. Passive divorce
7. baker

ارتباط زنان و مردان را تسهیل و فناوری‌های ارتباطی جدید (مانند تلفن همراه و اینترنت)، این ارتباط را پنهان کرده است (ر.ک: آزاد ارمکی و دیگران، ۱۳۹۱).

در سنخ طلاق جاه‌طلبانه، تفسیر افراد از طلاق و متعاقب آن، گرایش‌های ذهنی مثبت یا منفی منتج از آن، منوط است به اینکه سوژه تا چه میزان به آرزوها و اهدافش رسیده باشد. از این رو برخی سوژه‌هایی که در گذر زمان به اهداف خود نرسیده باشند یا متوجه غیر عقلانی بودن انتخابشان شوند، پشیمانی و انواع گرایش‌های منفی را تجربه می‌کنند؛ در حالی که برخی دیگر که به اهداف خود دست یافته‌اند، با وجود احساس تقصیر و تردید، در مجموع گرایش‌های مثبتی را گزارش می‌کنند.

#### طلاق عقلانی - فاعلانه

در اینگونه طلاق‌ها عموماً خود کنشگران به صورت کاملاً فاعلانه، تمایل و درخواست طلاق داشته‌اند (عاملیت مضاعف). برای این افراد، طلاق عاطفی به میزان بسیار زیادی به وقوع پیوسته و گسست از زندگی زناشویی با سهولت بیشتری رخ داده است. کنشگران این دسته، سوژه‌هایی رهیده‌اند (آزادشده، نجات‌یافته) که طلاق را کنشی عقلانی، مثبت و رو به جلو دانسته‌اند که بهبود کیفیت زندگی‌شان را به همراه خواهد داشت. طلاق‌های عقلانی آن هم از جنس فاعلانه با تضعیف سنت در جامعه ایرانی، پیوندی تنگاتنگ دارد؛ سنتی که طبق قواعد خود با تأکید بیشتر بر کمیت زندگی و دوام آن به جای کیفیت و محتوای آن، گاهی به تداوم زندگی زناشویی ناسالم به دلایل مختلفی از جنس مصلحت می‌انجامد و در این میان، مخالفانش را با مجازات‌های رسمی و غیر رسمی گوناگونی مواجه می‌سازد. اما با تغییرات فرهنگی صورت گرفته در سال‌های اخیر، این نگاه مبتنی بر اجبار سنت نیز به میزان زیادی نسبت به گذشته کمرنگ شده است و فضایی پدید آمده است که در صورت نارضایتی از رابطه، فارغ از محدودیت‌های سخت سنت و آسان‌تر از گذشته، زوجین اقدام به تصمیم‌های اساسی برای جدایی می‌کنند و از مجازات‌های غیر رسمی، کمتر از گذشته می‌هراسند. این وضعیت با شکل‌گیری زمینه‌های فرهنگی جدید در جامعه تغییر ارزش‌ها و انتظارات در حوزه ازدواج، فضای اجتماعی برای بروز رفتارهای جدید را فراهم کرده است (گیدنز، ۱۳۷۷: ۴۴).

#### طلاق عقلانی - توافقی

در اینگونه طلاق‌ها، تمایل به طلاق و عاملیت در عملی شدن آن از سوی هر دو



طرف به طور نسبی وجود دارد (عاملیت نسبتاً قوی) و عموماً جدایی عاطفی برای هر دو نفر تاحدی روی داده است (وقوع نسبی طلاق عاطفی). هرچند این جدایی عاطفی به‌هیچ‌وجه به میزانی نیست که در طلاق‌های فاعلانه و جاه‌طلبانه مشاهده می‌شود (گرایش عاطفی میانه نسبت به طلاق)، کنشگران این دسته عموماً طلاق را راه‌حلی معقول و کم‌دردسر قلمداد می‌کنند و از عاملیت میانه یا نسبتاً قوی برخوردارند. امروزه ازدواج، برخلاف گذشته که هدف بود، بیشتر وسیله است؛ وسیله‌ای برای رسیدن به خوشبختی و بهبود کیفیت زندگی. از این‌رو هنجار غالب امروزی آن است که ازدواج ارضاکننده باشد، نه اینکه بر اثر الزام اجتماعی و ضرورت‌های اقتصادی صورت گیرد و دوام یابد. زمانی که خانواده اساساً واحدی تولیدی بود، روابط نیز ابزاری بودند. همین که ازدواج به حوزه خصوصی پیوندهای عاطفی وارد شد، مهر و صمیمیت مبنایی برای روابط شد. این به معنای انعطاف‌پذیر شدن روابط و اولویت قائل شدن برای ارضای شخصی بود. از این‌رو امروزه پایان دادن به ازدواجی که کارایی ندارد، انتخاب شخصی بسیاری از افراد است (چیل، ۱۳۸۸: ۱۱۳). از سویی روابط در زندگی خانوادگی در دنیای امروز بیش از گذشته بر مبنای احترام متقابل و رضایت شخصی افراد شکل گرفته است (مک‌کارتی و ادواردز، ۱۳۹۰: ۴۴۱).

#### طلاق عقلانی - منفعلانه

در این سنخ از طلاق‌های عقلانی عموماً تمایل به طلاق و درخواست آن بیشتر از سوی طرف مقابل است (موضع منفعلانه فرد) و سوژه هنوز گسست عاطفی از همسرش را تجربه نکرده است (عدم وقوع طلاق عاطفی). چنین افرادی عموماً تمایل قلبی به طلاق ندارند، اما وقوع طلاق را منطقی و عقلانی قلمداد می‌کنند (عاملیت میانه = تضاد میان عقل و احساس). برخی نظریه‌ها در حیطه همسرگزینی بر این باورند که ازدواج، نوعی مبادله اجتماعی است که در آن افراد در پی مبادله سرمایه‌های خود هستند و خانواده‌ها نیز به دنبال حفظ منافع و سرمایه‌های جمعی‌شان یا کسب سرمایه‌های بیشترند (حسینی، ۱۳۸۶: ۸۷).

#### طلاق اجباری

اینگونه طلاق‌ها بیشتر به دلیل الزامات بیرونی یا اصرار طرف مقابل به وقوع می‌پیوندند. در این نوع طلاق‌ها، سوژه فردی رها شده (ترک شده) است که هیچ تمایلی

به جدایی نداشته و طلاق عاطفی را تجربه نکرده است. از سویی دیگر، واقعه طلاق را نیز کنشی عقلانی نمی‌خواند. در واقع این عینیت بیرونی است که او را «مجبور» به طلاق کرده است و عاملیت سوژه در عملی شدن طلاق، هیچ نقشی ندارد. میزان عاملیت و اراده افراد به میزان فشارهایی بستگی دارد که ساختارها به آنها وارد می‌آورند. عاملیت برخی افراد به علت عوامل ساختاری، محیطی و زمینه‌ای، از عاملیت برخی دیگر کمتر است. از این‌رو زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی سوژه‌های مشمول طلاق، بر نحوه و کیفیت تصمیم‌گیری آنان و میزان عاملیت و مشارکت آنان در رخداد طلاق تأثیر بسزایی می‌گذارد. از سویی طلاق برحسب متغیرهای گوناگون و امکاناتی که فرد در پیرامون خویش می‌بیند، هم می‌تواند فرصت عمل باشد و سوژه را از فشارهای مستمر در خانواده برهاند و هم می‌تواند خود را همچون معضلی بزرگ‌تر نشان دهد و این هنگامی است که هزینه‌های جدایی برای سوژه از هزینه‌های ماندن در خانواده بیشتر شود (ر.ک: Guru, 2009).

**طلاق شتاب‌زده**

اینگونه طلاق‌ها شباهت بسیاری به کنش عاطفی مدنظر وبر دارد؛ کنشی که به طور بی‌واسطه ناشی از حال درونی و خلقیات فاعل است و بدون محاسبه هدف و وسیله انجام می‌شود. از آنجا که سوژه‌های اجتماعی، این کنش غیر عقلانی را در اوضاع و احوال معینی (مانند حالت خشم) انجام می‌دهند که معمولاً در گذر زمان و بازاندیشی دچار دگردیسی می‌شود، بسیاری از آنها در آینده دچار احساس تردید و پشیمانی می‌شوند (صادقی فسایی و ایثاری، ۱۳۹۲: ۱۲).

#### نظریه نمایشی<sup>۱</sup>

نظریه گافمن<sup>۲</sup> به بهترین نحو ممکن شرایط زندگی اجتماعی زنان مطلقه را در مواجهه با خانواده و جامعه توضیح می‌دهد. نظریه نمایشی، صحنه زندگی این زنان و بازی‌هایی را که آنان برای گریز از برچسب‌های جامعه و مقاومت در برابر فشارهای هنجاری در پیش می‌گیرند و نیز مطلوب آنها را برای حفظ خود و زندگی خویش به‌روشنی تبیین می‌کند. اروین گافمن به اختلاف اساسی میان خودهای کاملاً انسانی و خودهای اجتماعی افراد به طور جدی معتقد است. تفاوت میان آنچه مردم از فرد انتظار

1. dramaturgical theory  
2. Kaufman

دارند، با آنچه او می‌خواهد به میل خود انجام دهد، از نظر گافمن تنش‌زاست. به نظر او، افراد برای داشتن تصویری ثابت از خود برای مخاطبان‌شان در جامعه نقش اجرا می‌کنند. نظریه نمایشی گافمن، زندگی اجتماعی را یک‌رشته اجرای نقش‌های نمایشی مانند ایفای نقش در صحنه نمایش می‌داند (ریترز، ۱۳۸۲: ۲۹۲).

### روش‌شناسی

هدف این مطالعه، فهم و تفسیر زوجین از طلاق و سنخ‌بندی طلاق در میان زوجین خرم‌آبادی در سال ۱۴۰۲ بود. به همین دلیل پارادایم تفسیری برای انجام این پژوهش انتخاب و از روش نظریه‌زمینه‌ای (گراند تئوری) برای تحلیل داده‌ها استفاده شده است. پژوهشگران کیفی، زمانی از این روش استفاده می‌کنند که می‌خواهند بفهمند: مردم چه تفسیری از تجربه خود دارند؟ چگونه جهان خود را می‌سازند؟ چه برداشتی از تجربه خود دارند؟ (افراسیابی و دیگران، ۱۳۹۹: ۵).

شرکت‌کنندگان مشتمل بر ۳۰ فرد مطلقه بودند که بر اساس نمونه‌گیری هدفمند با روش گلوله برفی انتخاب شدند. از این تعداد، ۱۲ نفر مرد و ۱۸ نفر زن بودند که جمع‌آوری اطلاعات تا زمان اشباع داده‌ها از آنان ادامه یافت. معیار انتخاب نمونه‌ها، داشتن تجربه طلاق، گذشت حداقل یک سال از طلاق قانونی آنها و رضایت داشتن برای شرکت در مطالعه بوده است. پنج مقوله اصلی از خلال داده‌های کدگذاری شده استخراج شد. برای اطلاع از نظر مصاحبه‌شوندگان و آگاهی از تجربه از فن مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و عمیق استفاده شده است. در واقع مصاحبه، فرصت گفت‌وگو درباره وقایع گذشته را فراهم نموده است. در طول مصاحبه‌ها، محقق پس از معرفی خود و بیان اهداف پژوهش و تأکید بر اصل رازداری، مصاحبه خود را آغاز نموده و هر مصاحبه با کسب اجازه از مصاحبه‌شونده با دستگاه موبایل ضبط شد. مدت مصاحبه‌ها از ۴۵ دقیقه تا ۹۰ دقیقه متغیر بود. از آنجا که با دادن اطمینان به فرد مصاحبه‌شونده مبنی بر اینکه پس از روی کاغذ آوردن متن مصاحبه توسط محقق، فایل مصاحبه پاک خواهد شد، به این ترتیب افراد مقاومتی در برابر ضبط مصاحبه نشان ندادند. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی استفاده شده است.

جدول ۱- اطلاعات مصاحبه‌شوندگان

ردیف	اسم مستعار	سن	تحصیلات	شغل	سن ازدواج	زندگی مشترک	تعداد فرزند	حضانت فرزند
۱	فاطمه	۵۴	ابتدایی	مغازه‌دار	۱۸	۱۲	۳	مادر
۲	مهديه	۳۷	دیپلم	دفتر بیمه	۱۸	۴	۱	پدر
۳	شکوفه	۳۶	راهنمایی	کارگر	۱۵	۶	۲	پدر
۴	زهرا	۳۷	کارشناسی	کارمند	۲۵	۱۰	۲	پدر
۵	زهره	۴۵	دیپلم	آرایشگر	۲۰	۹	۱	مادر
۶	نسرین	۳۵	کارشناسی ارشد	کارمند	۲۲	۱۱	۲	مادر
۷	معصومه	۲۴	دیپلم	کارگر	۱۶	۵	۱	مادر
۸	اعظم	۳۸	دانشجو	کارمند	۲۷	۶	۱	پدر
۹	ساجده	۳۷	کاردانی	خانه‌دار	۱۷	۱۰	۲	مادر
۱۰	راحله	۳۵	کارشناسی	کارمند	۱۹	۴	۱	پدر
۱۱	المیرا	۲۶	کارشناسی	کارمند	۲۰	۵	۰	۰
۱۲	مهرانا	۳۷	راهنمایی	کارگر	۲۴	۵	۰	۰
۱۳	ناهدید	۲۱	دیپلم	بیکار	۱۷	۳	۰	۰
۱۴	شیوا	۲۰	دانشجو	دانشجو	۱۸	۲	۰	۰
۱۵	رضوان	۳۶	دیپلم	خانه‌دار	۱۶	۹	۲	مادر
۱۶	الهه	۳۲	کارشناسی	بیکار	۲۰	۸	۱	مادر
۱۷	زکیه	۲۳	راهنمایی	بیکار	۱۶	۴	۱	مادر
۱۸	راضیه	۴۰	کارشناسی	کارمند	۲۸	۷	۱	مادر
۱۹	داریوش	۵۴	دیپلم	کارگر	۳۱	۱۲	۲	پدر
۲۰	رضا	۴۸	کاردانی	آزاد	۲۸	۱۵	۲	مادر
۲۱	احمد	۳۸	کارشناسی	کارمند	۳۲	۳	۱	مادر
۲۲	فرامرز	۴۰	کارشناسی	کارگر	۳۱	۷	۲	مادر
۲۳	سجاد	۴۲	دیپلم	بیکار	۳۰	۵	۲	مادر

۲۴	حمزه	۳۵	دیپلم	بیکار	۲۸	۵	۱	مادر
۲۵	داوود	۴۳	کارشناسی	کارمند	۳۰	۵	۱	پدر
۲۶	عبدالله	۳۶	دیپلم	آزاد	۳۲	۳	۰	۰
۲۷	حسنعلی	۵۳	راهنمایی	پیمانکار	۳۰	۸	۲	پدر
۲۸	عباس	۳۹	دیپلم	بیکار	۳۱	۴	۱	مادر
۲۹	جعفر	۴۸	دیپلم	آزاد	۲۸	۹	۲	پدر
۳۰	علی	۴۰	دیپلم	کارمند	۳۲	۴	۰	۰

مصاحبه با چند پرسش اولیه با هدف ایجاد فضایی صمیمی، راحت و قابل اعتماد برای مصاحبه‌شونده آغاز شده و در ادامه مصاحبه محقق در هدایت جریان مصاحبه و جست‌وجوی اطلاعات صریح و روشن فعال بوده است. بیش از همه گوش دادن با علاقه به اظهارات مصاحبه‌شونده و همراهی با او، بخش اصلی روند مصاحبه بود. محقق، سؤالات را به طریقی پرسیده است که زمینه‌ای فراهم شود که مصاحبه‌شوندگان، آنچه را برای آنان اهمیت دارد، به طور کامل شرح دهند و احساس نکنند که مجبورند در جهت علایق، دغدغه‌ها و پیش‌دآوری‌های محقق صحبت کنند. به این ترتیب فضای مصاحبه، فضایی باز و آزاد بوده است. لازم به توضیح است که هرچند محقق مقاله حاضر بنا بر اصل حساسیت نظری، انواع سنخ‌های طلاق را در بخش مفاهیم نظری بررسی نموده‌اند، این توضیح لازم است که سنخ‌های طبقه‌بندی‌شده از داده‌های پژوهش استخراج شده و بر اساس حساسیت نظری نظم یافته‌اند.

## یافته‌ها

جدول ۲- شاخص‌های سنخ‌شناسی طلاق

مقوله هسته	کدهای محوری	کدهای باز
طلاق عقلانی جاه‌طلبانه	<ul style="list-style-type: none"> <li>- رهایی از قفس زندگی</li> <li>- رسیدن به آرزوها</li> <li>- تغییر در کیفیت زندگی</li> <li>- آسان شدن رفت‌وآمد</li> <li>- مختار بودن در زندگی</li> <li>- کنترل نشدن زندگی توسط دیگران</li> </ul>	<p>احساس اسارت، رهایی از محدودیت‌ها، پیگیری آمال فردی، اهمیت نداشتن هنجارهای جمع‌گرایانه، آزادی در رفت‌وآمدهای شخصی، بیزاری از محدودیت‌های همسر، کسب آزادی‌های شخصی، لذت‌بخش دانستن تنهایی و آزادی‌های فردی، کنترل‌ناپذیر دانستن خود، بهبود وضعیت اقتصادی زندگی، طلاق به درخواست خود، احساس رضایت از جدایی، آزادی فردی، اولویت بودن جدایی، پیگیری‌های مصرانه بر طلاق</p>
طلاق عقلانی فاعلانه	<ul style="list-style-type: none"> <li>- طغیان در اهمیت دادن به خود</li> <li>- نداشتن هیچ حسی به زندگی مشترک</li> <li>- مهم نبودن فرزندان در زندگی</li> <li>- بی‌توجهی به نظرهای اعضای خانواده</li> <li>- مخالفت با نگرش‌های سنتی</li> <li>- ایستادگی در برابر افراد خانواده</li> </ul>	<p>بی‌تفاوتی به همسر، افراط در فردگرایی، اهمیت ندادن به فرزندان و پیگیری امور شخصی بر اساس عقلانیت فردی، عقلانیت منفعت‌طلبانه، طرد سنت‌های دست‌وپاگیر، عقلانیت شدید در مواجهه با امور همسررداری، مواجهه با اعضای خانواده و اصرار به طلاق، عاقلانه دانستن طلاق، غیر عقلانی تصور کردن زندگی مشترک توأم با محدودیت</p>
طلاق عقلانی	<ul style="list-style-type: none"> <li>- جدا شدن بدون هرگونه تنش</li> </ul>	<p>جدایی با رضایت کامل زوجین، توافق</p>

توافقی	<ul style="list-style-type: none"> <li>- سرد شدن از زندگی</li> <li>- نداشتن احساس رضایت از زندگی</li> <li>- احساس رضایت از جدایی</li> </ul>	<p>بر جدایی پیش از طلاق، تجربه طلاق عاطفی انتخابی پیش از ازدواج، نداشتن تنش و درگیری در زمان جدایی، احساس رضایت عمیق از جدایی، میل فراوان زوجین بر جدایی، موفقیت دانستن جدایی و رضایت زندگی پس‌اطلاق</p>
طلاق عقلانی منفعلانه	<ul style="list-style-type: none"> <li>- قطع نکردن کامل وابستگی به زندگی قبلی</li> <li>- متقاضی بودن مرد برای طلاق</li> <li>- بی‌میل بودن نسبت به طلاق گرفتن</li> </ul>	<p>میل به طلاق و عدم اقدام به آن، میل به طلاق و توقع اقدام طرف مقابل، عقلانی دانستن طلاق و عدم اقدام به آن، ارتباط محدود با همسر سابق، میل به برقراری‌های هر از چندگاهی با همسر سابق</p>
طلاق غیر عقلانی، شتاب‌زده و اجباری	<p>پشیمانی از طلاق، طلاق به دلیل تصمیم‌های شتاب‌زده، تحت تأثیر حرف دوستان طلاق گرفتن، عقلانی تلقی نکردن طلاق و میل به بازگشت به زندگی سابق، تنهایی و نداشتن حامی پس از طلاق، احساس رها شدن و بی‌پناهی پس از طلاق، تعجیل غیر عقلانی در طلاق، ناتوانی در مدیریت زندگی پس از طلاق</p>	<p>دوست داشتن زندگی و طرف مقابل و امیدواری به بازگشت، تمایل نداشتن به زندگی به صورت مطلقه، طلاق از روی عصبانیت، ناپختگی و عجله در طلاق، نداشتن توانایی در اداره زندگی بدون شغل و سرپناه، نبودن حامی در زندگی، احساس پشیمانی از طلاق، تأثیرپذیری از صحبت‌های دیگران</p>

طلاق عقلانی جاه‌طلبانه، سنخی از طلاق در میان زوجین خرم‌آبادی است که در آن افراد با اصرار میل به طلاق داشته و بر تصمیم خود پافشاری کرده‌اند. راحله ۳۵ ساله، کارمند است. وی در ۱۹ سالگی ازدواج کرده و دارای یک فرزند است. راحله درباره طلاق خود اینگونه سخن می‌گوید:

«در اون زمانی که بنده ازدواج کردم، سنی نداشتم که؛ ۱۸ یا ۱۹ ساله بودم. چند سالی که گذشت، همه‌جوره پشیمان شدم و خودم اقدام به طلاق کردم. بله مطمئنم بابت تصمیمی که گرفتم و آزادی الانم رو با هیچ چیزی عوض نمی‌کنم. چی بود این شوهر، هی گیر می‌داد با کی برو با کی نرو، چی بیوش، چی نپوش...».

طلاق عقلانی فاعلانه نیز سنخی دیگر از طلاق است که فرد در اهمیت دادن به خود عاملیت دارد و در هر دو جنس نیز دیده می‌شود. داوود ۴۳ ساله، کارمند است. وی از عقلانیت تصمیم‌گیری خود اینگونه سخن می‌گوید:

«نه اتفاقاً خودم خواستم که جدا بشم، چون اعصاب برام نگذاشته بود. سر همه چیز دعوا داشتم با این بشر و اصلاً کوتاه بیا نبود. نظرات دیگران هم برام اهمیتی نداشت و کار خودم رو انجام دادم...».

المیرا ۲۶ ساله نیز در این‌باره می‌گوید:

«وقتی حسی نداری بهش، هم عقلت هم دلت می‌گن ازش بکن. بکش بیرون از زندگی با آدمی که واسش مهم نیستی و واست مهم نیست. بله من این رو عین عاقل بودن می‌دونم. کاری به کار افکار خانواده‌هام ندارم. اونا اهل روستا بودن با همون افکار قدیمی یک عمر می‌سوختند و می‌ساختند. قرار نیست ما هم مثل اون‌ها بسوزیم و بسازیم...».

طلاق عقلانی توافقی، سنخی از طلاق است که به نظر، جای خود را در میان زوجین ایرانی باز کرده است. به نظر می‌رسد که نوعی از طلاق که زوجین بدون تنش و درگیری از هم جدا شده و پیش از درخواست توافق بر جدایی کرده‌اند، تبدیل به فرمی شایع در میان آنان شده است. نسرین ۳۵ ساله کارمند معتقد است که عقل حکم می‌کند دو فرد عاقل در صورت نداشتن تفاهم می‌توانند به راحتی از یکدیگر جدا شوند:

«خدا عقل داده به آدمیزاد دیگه... بله همسر سابقم هم با اینکه باهاش مشکل دارم، ولی آدم باسواد و باشعوریه... صحبت کردیم چند باری و به هم فرصت دادیم شاید بشه درستش کرد. ولی وقتی دیدم که نمیشه، خیلی شیک و مجلسی توافق کردیم و منم مهرم رو بخشیدم، ولی



مردونگی به خرج داد و مقداری از مهرم رو با رضایت خودش نقد پرداخت کرد و از هم بدون دردرس جدا شدیم...».

طلاق عقلانی منفعلانه، نوعی از طلاق است که در آن فرد میل به طلاق داشته، اما خود اقدام‌کننده نیست یا علی‌رغم رخداد طلاق، همچنان ارتباط محدود با همسر سابق خود را حفظ کرده است. علی ۴۰ ساله، کارمند و دارای تحصیلات دیپلم است. وی درباره این سنخ از طلاق می‌گوید:

«خیلی برای من فرقی نداشت که بخوام بگم مثلاً طلاق بگیرم نگیرم. زندگی رو می‌بردم جلو دیگه، ولی انگار اون دلش بدجور آتیشی بود. به زور یک کارایی می‌کرد که من رو عصبانی کنه. من هم گفتم باشه حالا که تو می‌خوای برو خونه پدر مادرت...».

طلاق غیر عقلانی شتاب‌زده و اجباری، سنخی از طلاق است که فرد اقدام‌کننده عموماً پشیمان است یا بر اساس اجبار و علی‌رغم میل باطنی دست به این اقدام زده است. الهه ۳۲ ساله و بیکار است. وی طلاق خود را توأم با عجله و تحت تأثیر قرار گرفتن از دوستان خود توصیف می‌کند:

«قبول دارم من بلانسبت شما خیریت کردم. اشتباه کردم. دوستای حسودم نشستن کنارم، مخم رو خوردن که این قیافه نداره، برای چی اینو قبولش کردی. تو خیلی سرتتر هستی و اینجور حرف‌ها. انگار طلسم شده بودم...».

### جدول ۳- تحلیل تجربه‌ها و پیامدهای پس از طلاق

فرامقوله	مقوله	کدها
پیامدهای اقتصادی	شکست و سقوط مالی	- نداشتن حمایت مالی - وابستگی مالی - احساس بی‌پناهی مالی - تجربه شکست و سقوط اقتصادی - بازگشت به دوران اجاره‌نشینی
	نداشتن شغل هنگام طلاق	- نداشتن شغل دائم - نداشتن امنیت شغلی

<ul style="list-style-type: none"> <li>- اشتیاق به مشاغل کم‌درآمد</li> <li>- از دست دادن شغل با طلاق</li> <li>- عدم تمایل به ادامه دادن در شغل</li> </ul>		
<ul style="list-style-type: none"> <li>- نپرداختن نفقه فرزند از سوی همسر</li> <li>- مخارج بالای فرزند</li> <li>- دغدغه‌های احساسی فرزندان</li> <li>- عهده‌دار بودن حضانت فرزند</li> </ul>	<p>چالش‌های حضانت فرزند</p>	
<ul style="list-style-type: none"> <li>- زندگی با والدین</li> <li>- محدودیت در مکان‌یابی جدید</li> <li>- بازگشت به خانه پدر</li> <li>- اختلافات با خانواده پس از بازگشت به زندگی با خانواده پدری</li> </ul>	<p>چالش‌های بازگشت به خانه پدری</p>	
<ul style="list-style-type: none"> <li>- آدم کاری شدن</li> <li>- بالا رفتن پول از سر و روی</li> <li>- آزادی در انتخاب شغل</li> <li>- پیشرفت در کار</li> <li>- طلاق و تمرکز مالی</li> <li>- عدم محدودیت در کسب درآمد</li> <li>- آزادی در هزینه‌کرد درآمدها</li> </ul>	<p>پویایی و پیشرفت اقتصادی</p>	
<ul style="list-style-type: none"> <li>- احساس تنهایی</li> <li>- احساس شکست</li> <li>- احساس پشیمانی</li> <li>- احساس گناه و تقصیر</li> <li>- احساس ویرانی</li> <li>- احساس بی‌ارزشی</li> <li>- احساس ناامنی</li> <li>- احساس دل‌تنگی برای همسر و فرزند</li> <li>- ترس از سرنوشت فرزندان</li> <li>- افسردگی</li> </ul>	<p>خطرات سلامت روانی</p>	<p>پیامدهای درونی و احساسی</p>

	- انزوا	
	- محدودیت در روابط - کنترل ورود و خروج از منزل - کنترل تماس‌های تلفنی و پیام‌ها - بدبین شدن	کنترل مضاعف اجتماعی داشتن
	- استفاده از الفاظ بیوه بودن و مطلقه بودن - تهمت زدن و مورد اتهام قرار گرفتن - داغ ننگ طلاق	برچسب اجتماعی
	- محدود کردن روابط خود با دیگران - حبس نمودن خود	انزوای اجتماعی
	- برخورد سرد اطرافیان - قطع رابطه دوستان با فرد مطلقه - تمایل به نبودن در جمع	طرد اجتماعی
	- قرار گرفتن در جایگاه متهم - مقصر قرار گرفتن - قضاوت‌های نابجا - تهمت‌های ناروا	مورد اتهام قرار گرفتن
	- مزاحمت‌های جنسی - مورد طمع واقع شدن - بازیچه جنسی - سوءاستفاده از موقعیت فرد مطلقه	ایزوله جنسی قرار گرفتن
	- بی نقش بودن در حیات اجتماعی - داشتن هم‌زمان نقش مادری و پدري - از دست دادن پایگاه مادری و همسری	تغییر جایگاه
	- بی میلی جنسی - سرکوب جنسی - روابط فر ازدواجی - فقدان فرصت ازدواج مجدد	نیازهای عاطفی و جنسی
		پیامدهای ارتباطی اجتماعی (تعاملی)
		پیامدهای عاطفی - جنسی

از جمله پیامدهای مهم و فراگیر طلاق، پیامدهای اقتصادی به‌ویژه برای زنان است. زهره ۴۵ ساله، دیپلم و آرایشگر است. وی درباره ابعاد مختلف اقتصادی و پیامدهای مثبت و منفی آن اینگونه سخن می‌گوید:

«راستش انگار جهنم شد اولش واسم. مثل پتکی بود که خراب شد روی سر من. همه چیزم حتی وسایل خونم رو بهم نداد و آس و پاس شدم؛ یعنی رفتم زیر صفر. زجر کشیدم. برگشتم خونه پدری و چه مصیبت‌هایی داشتم که فقط خدا خبر داره از دل من. ولی برگشتم سر زندگی و شروع کردم دوباره. آرایشگری رو دوباره شروع کردم، چون اول نمی‌گذاشت کارم رو انجام بدم. ولی الان راضی‌ام و خدا رو شکر خیلی هم وضع زندگی از سابق بهتر شده...»

پیامدهای روانی و روحی نیز از جمله پیامدهای مهمی است که به‌ویژه زنان را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. ساجده ۳۷ ساله، دیپلمه و بیکار است. وی از انواع آسیب‌های روحی خود پرده‌برداری می‌کند:

«بلایی نبود که سرم نیاد. افتادم به قرص افسردگی خوردن و دائم ترس داشتم که میاد جلوی من رو می‌گیره و بلایی سر من میاره. همیشه هم تهدید می‌کرد که طلاق بگیریم، من سر تو می‌برم و اون آدم رو هم می‌کشم که بخواد بیاد سمت تو...»

پیامدهای اجتماعی و فرهنگی، پیامدهایی گسترده و تأثیرگذار بر افراد است. زکیه، ۲۳ ساله و بیکار است. وی درباره طرد از خانواده و برخوردهای منفی جامعه پس از طلاق خود می‌گوید:

«شهرهای ما خیلی سنتی هست. دوست من توی تهران تعریف می‌کنه اصلاً اینجوری نیست که بخوان بهت هر چیزی می‌خوان بگن. اینجا اینجوری نیست؛ طلاق گرفتی انگار باید بری بمیری دیگه. به خودت تیکه میندازن. بهت تهمت بد می‌زنند و رحمی ندارند. پدر و مادرم که بدتر از مردم، انگاری دعوا دارند باهات. عمداً تحویل نمی‌گیرن، انگار پدرکشتگی دارند با من... با این خانواده و جامعه میشه افسرده نشد؟ زنی که طلاق می‌گیره، باید چیکار کنه؟...»

## استراتژی مواجهه با طلاق

### جدول ۴- تحلیل استراتژی مواجهه با طلاق

کدها	مقوله	فرامقوله
<ul style="list-style-type: none"> <li>- داشتن شناخت از خود</li> <li>- تفکر درباره شناخت جایگاه خود</li> <li>- تشخیص وظایف جدید</li> <li>- اهمیت ندادن به حرف مردم</li> <li>- تغییر رفتار</li> </ul>	بازیابی خود	راهبردهای فردی
<ul style="list-style-type: none"> <li>- ادامه تحصیل</li> <li>- اخذ گواهینامه‌های مهارتی</li> <li>- پیشرفت اقتصادی</li> <li>- پویایی اقتصادی</li> </ul>	مدیریت ارتقای اجتماعی	
<ul style="list-style-type: none"> <li>- کم‌رنگ شدن ارتباط با اقوام خود</li> <li>- قطع رابطه با خویشان همسر</li> <li>- کم‌رنگی روابط با دوستان</li> <li>- منزوی شدن</li> </ul>	انزوای اجتماعی	راهبردهای جامعه‌ای
<ul style="list-style-type: none"> <li>- یافتن دوستان روشن‌فکر</li> <li>- معاشرت با مطلقه‌های دیگر</li> <li>- تشکیل گروه‌های مختلط</li> </ul>	معاشرت‌های همگون	
<ul style="list-style-type: none"> <li>- عدم برقراری ارتباط با غریبه</li> <li>- وانمود کردن فوت همسر</li> <li>- اخذ شناسنامه جدید</li> <li>- استفاده از پوشش و ظاهر قشر مورد اعتماد جامعه</li> </ul>	پنهان‌سازی طلاق	

### تحلیل معنای طلاق

طلاق به عنوان یکی از راهکارها برای مصاحبه‌شوندگان دارای معانی چندگانه است و این تنوع معانی در افراد ناشی از تفاوت دیدگاه آنان می‌شود. در پژوهش حاضر، دو دیدگاه در افراد مطلقه پدیدار گشته است که دیدگاه منفی و دیدگاه مثبت را شامل می‌شود.

### جدول ۵- تحلیل معنای طلاق

کدها	مقوله	فرامقوله
<ul style="list-style-type: none"> <li>- سختی تصور طلاق</li> <li>- از چاله به چاه افتادن</li> <li>- رهایی در باتلاق زندگی</li> <li>- ناچاری</li> <li>- برخاستن از خاکستر و روی آتش نشستن</li> <li>- تنگ‌تر شدن قفس زندگی</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- آخرین راه</li> <li>چاره</li> <li>- مخمصه</li> <li>بزرگ‌تر</li> <li>- بی‌پناه بودن</li> </ul>	دیدگاه منفی
<ul style="list-style-type: none"> <li>- پر گشودن</li> <li>- پر و بال گرفتن</li> <li>- پاره شدن زنجیر بندگی</li> <li>- آزادی از قفس</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>رهايي‌بخشي</li> </ul>	دیدگاه مثبت

### نتیجه‌گیری

طلاق، مسئله‌ای در حال شیوع است که حالا دیگر به مسئله‌ای اجتماعی با اهمیت بالا در میان سیاست‌گذاران کشور شده است. تبیین و تفسیر مسئله طلاق، انواع سنخ‌های آن و پیامدهای متعدد و چندبعدی آن، تحلیل و برداشت یکدست از این موضوع را دشوار کرده است. تجربه طلاق و بررسی سنخ‌های مختلف آن در نگاه اول و برداشتی یکدست و ساده تشریح وضعیت آنان به‌سادگی حاصل نشده و نیاز به تحلیلی کیفی دارد. در حقیقت سنخ‌های مختلف افراد مطلقه مورد تحلیل در این پژوهش، بر میدان‌های اجتماعی و عادت‌واره‌های مختلف فصل‌بندی می‌شوند. بررسی پیامدهای طلاق، تشکیل عادت‌واره‌های جدید و متنوع، زیست‌جهان افراد مطلقه را روایت می‌کند. از مهم‌ترین پیامدهای طلاق بین افراد مطلقه در نمونه آماری پژوهش واقع در خرم‌آباد، پیامدهای اقتصادی ذکر شده است که خود از خرده‌مقوله‌هایی همچون عدم درآمد مالی هنگام طلاق، نداشتن شغل هنگام طلاق، عهده‌دار بودن حضانت فرزند، نداشتن مکان مستقل برای زندگی و پویایی و پیشرفت اقتصادی انتزاع شده است که از میان مقوله‌های ذکرشده، مقوله پویایی و پیشرفت اقتصادی در میان همه مصاحبه‌شوندگان مشترک بوده و پویایی و پیشرفت اقتصادی را تجربه نموده‌اند.

پیامدهای ارتباطی و اجتماعی که خود از خرده‌مقوله‌های کنترل مضاعف اجتماعی، برچسب اجتماعی، انزوای اجتماعی، طرد اجتماعی، مورد اتهام قرار گرفتن، ابژه جنسی قرار گرفتن و تغییر جایگاه انتزاع یافته است. از میان خرده‌مقوله‌های یادشده، برچسب اجتماعی، ابژه جنسی قرار گرفتن و تغییر جایگاه در میان همه مصاحبه‌شوندگان مشترک بود و همه آنان اینسه مفهوم را تجربه نموده بودند و رنجه‌ی مشترک آنان محسوب می‌شد. مقوله‌های برچسب اجتماعی و طردشدگی و مورد اتهام قرار گرفتن از دیگر پیامدهای تعاملی رنج‌آور است که مصاحبه‌شوندگان تجربه کرده بودند که طبق نظر گافمن، مطلقه بودن ننگ محسوب می‌شود که می‌تواند بر هویت فرد تأثیر گذارد و افرادی که شرایط فرد مطلقه را درک نمی‌کنند، معمولاً با نگاه‌های سنگین و کنایه‌ها و استفاده از کلماتی چون بیوه بودن باعث فشار روانی بر فرد مطلقه می‌گردند و گاهی ممکن است به رابطه پنهانی افراد مطلقه با مردان دیگر شک کنند و این امر موجب می‌گردد فرد مطلقه از تعامل با آشنایان و دوستان خودداری نماید و تعاملات وی دستخوش تغییر گردد. این یافته‌ها با تحقیقات حسنی و همکاران (۱۳۹۳) همسو بوده است.

یکی از پیامدهای ارتباطی مصاحبه‌شوندگان، تغییر جایگاه بوده است و نوعی ابهام در نقش فرد مطلقه ایجاد می‌گردد، به طوری که کوهن معتقد بود که افراد پس از جدایی، خود را اینگونه توصیف می‌کنند که نه همسرند و نه مردم. نقش جدیدی که آنها تجربه می‌کنند، نه در جریان جامعه‌پذیری آن را آموخته‌اند و نه با حمایت‌های اجتماعی همراه است و از طرفی اگر حضانت فرزندان را عهده‌دار باشند، با نقش‌های پدری و مردانه بودن نیز باید هماهنگی یابند. این یافته نیز با نتایج تحقیقات صادقی فسایی و ایثاری (۱۳۹۱) همسو است.

پیامدهای درونی و احساسی از دیگر پیامدهای پس از طلاق بود که مصاحبه‌شوندگان تجربه کرده بودند. این پیامدها از خرده‌مقوله خطرات سلامت روانی انتزاع شده که فرد مطلقه با احساسات ناخوشایندی روبه‌رو می‌شود که با وی همراه است. این احساسات ناخوشایند در میان مصاحبه‌شوندگان متفاوت تجربه می‌شود و در همه یکسان نیست. این نتایج با نتیجه تحقیق احمددوست و همکاران (۱۳۹۶) همسو بوده است. تعداد زیادی از مصاحبه‌شوندگان در ارضای نیازهای عاطفی و جنسی به دلیل تجربه‌های تلخی که از

ازدواج خود داشته‌اند، در دسته عزلت‌جویان قرار دارند و نوعی انزوا و تجرد قطعی را انتخاب نموده‌اند.

همان‌طور که بیان شده است، تجربه مشترک افراد مطلقه مورد مصاحبه از پیامدهای اقتصادی، پویایی و پیشرفت اقتصادی بوده است. تجربه‌های مشترک پیامدهای ارتباطی و اجتماعی، برچسب اجتماعی، ابژه جنسی قرار گرفتن و تغییر جایگاه در میان افراد مطلقه مورد مصاحبه بوده و احساسات ناخوشایندی که در پیامدهای درونی و احساسی تجربه شده است. در میان مصاحبه‌شوندگان متفاوت تجربه شده است. پیامدهای عاطفی - جنسی نیز در میان مصاحبه‌شوندگان متفاوت تجربه شده است و در عدم پاسخ مناسب به این نیاز مشترک بودند. درباره راهبردها و استراتژی‌های بعد از طلاق زوجین برای مقابله با مشکلات شخصی و اجتماعی لازم به ذکر است که راهبردهای فردی از خرده‌مقوله‌های بازیابی خود و مدیریت ارتقای اجتماعی انتزاع شده است.

مؤلفه بازیابی خود، مفهومی کلیدی و توانایی تجسم شخص به هویت خود را می‌دهد. این مفهوم در نظریه‌های جورج هربرت مید تجلی نموده است. به نظر مید، ذات «خود» در انعطاف‌پذیری آن است. خود فرد از طریق توانایی پذیرفتن رویکردهای دیگران در تخیل خویش، موضوع بازاندیشی خودش می‌شود. فردیت خاص هر خودی، نتیجه ترکیب ویژه‌ای از رویکردهای دیگران است. این ترکیب چندان مختص به هر فرد است که حتی دو فرد را نمی‌توان یافت که ترکیب خود آنها یکی باشد. همان‌طور که با وقوع ازدواج، افراد هویت‌های جدیدی می‌یابند، با پدیده طلاق آن را از دست می‌دهند و این مسئله باعث تغییر در درک آنان از خود می‌شود. از این‌رو لزوم بازیابی خود پس از طلاق برای افراد اهمیت می‌یابد و از آن به عنوان یک استراتژی مهم استفاده می‌کنند که در میان مصاحبه‌شوندگان با انتزاع از کدهای داشتن شناخت از خود، تفکر درباره شناخت جایگاه خود، تشخیص وظایف جدید، بی‌اهمیتی به حرف مردم و تغییرات رفتاری نمودار شده است.

در پاسخ به پرسش «طلاق چه پیامدهای مثبت و منفی بر فرد، خانواده و جامعه می‌تواند داشته باشد» و «افرادی که تجربه طلاق داشته‌اند، این پدیده را چگونه برای خود معنا کرده‌اند»، دو دیدگاه مثبت و منفی نسبت به پدیده طلاق نمودار شد که



دیدگاه منفی خود از خرده‌مقوله‌ها، آخرین راه‌واره، مخمصه بزرگ‌تر و بی‌پناه انتزاع یافته است و دیدگاه مثبت از خرده‌مقوله رهایی‌بخشی انتزاع شد. معنای طلاق در میان افراد مطلقه، وجه مشترکی نداشت و این معنا در یک پیوستار قرار می‌گرفت که از چاله به چاه افتادن تا آزادی از قفس در میان آنان به صورت متغیر تجربه شده است.

در زمینه طلاق، آگاهی کامل از پیامدهای کنش، به‌ویژه در عصر پرمخاطره امروز تقریباً امکان‌پذیر نیست؛ اما مطابق جهت‌گیری سوژه در برابر طلاق و آمادگی عقلانی‌اش برای خروج از رابطه و فراهم کردن زمینه‌های آن، تاحدی ادعای احاطه و شناخت کنشگران از پیامدهای کنش راحت‌تر پذیرفته می‌شود؛ هرچند آنچه بیشتر بر آن تأکید می‌شود، همان «مبنای کنش» فرد هنگام طلاق است، نه نتیجه‌های آن. باید مانند وبر، عقلانی بودن کنش را بیشتر به دنبال شناخت‌های «فاعل» کنش تعریف کرد تا به دنبال شناخت «ناظر» کنش؛ یعنی ملاک عقلانی بودن طلاق را بر اساس تفسیرهای خود فاعلان اجتماعی در نظر گرفت. از این منظر، کنشی عقلانی است که افراد آن را عقلانی بخوانند و در آن با به کار بردن ابزار و وسیله‌های مناسب، به دنبال هدفی خاص یا سود و منفعت (نه لزوماً مادی) خود باشند و به اثرهای فعلشان آگاه باشند. بسیاری از کنشگرانی که طلاق عقلانی را از سر گذرانده‌اند، مدت‌زمان زیادی را پیش از آن، صرف توجه به آن اقدام و پیامدهای آن کرده‌اند و آمادگی لازم برای روبه‌رو شدن با پیامدهای پس از آن را در خود پرورش داده‌اند. آنها در واقع به انجام کنش عقلانی معطوف به هدف دست زده‌اند و بیشتر، هدفشان بهبود کیفیت زندگی‌شان بوده است. به همین دلیل بیشتر افرادی که در این سنخ طلاق قرار می‌گیرند (به استثنای گروه طلاق شتاب‌زده)، عامل بودنی قوی در به انجام رساندن طلاق از خود نشان می‌دهند؛ زیرا طلاق را رخدادی معقول و مفید می‌دانند و آن را همچون راه‌حل یا ابزاری برای بیرون رفتن از وضعیت نامناسب ازدواجشان به کار می‌برند.

از این‌رو سوژه‌هایی که با عامل بودن مضاعف تصمیم به طلاق عقلانی فاعلانه گرفته‌اند، عموماً به دلیل بهبود کیفیت زندگی‌شان پس از طلاق، گرایش‌های ذهنی مثبتی را درباره طلاق گزارش کرده‌اند؛ زیرا از نگاه آنها، طلاق بیش از آنکه شکست باشد، راهکار است. سوژه‌هایی که به شیوه‌های فاعلانه برای طلاق اقدام کرده‌اند،

علت‌های جدی و دلیل‌های اساسی را برای طلاق خود برمی‌شمارند. برای آنها پذیرش طلاق و سازگاری با زندگی پس از آن با آسانی بیشتری روی می‌دهد؛ زیرا طرف مقابل را مقصر اصلی وقوع طلاقشان می‌دانند. در نهایت نتیجه پژوهش حاضر نشان داده است که طلاق‌های عقلانی ممکن است پیامدهای اجتماعی کم‌خطری برای فاعلان کنش داشته باشند. بدین معنی که طلاق‌های غیر عقلانی شتابزده و اجباری، پیامدهای پرخطری را برای افراد مطلقه ایجاد می‌کنند؛ زیرا خود افراد در طلاق، تصمیم‌گیرنده نبوده‌اند یا بدون تفکر و تعقل نسبت به پیامدهای اجتماعی طلاق اقدام کرده‌اند. طلاق‌های عقلانی فاعلانه، توافقی، جاه‌طلبانه و منفعلانه با توجه به تفسیری که افراد از رفتار خود برای جدایی و طلاق دارند، به‌مراتب سازگاری بیشتری با محیط زندگی خود دارند و پیامدهای اجتماعی کمتری را متحمل می‌شوند.



## منابع

- آزاد ارمکی، تقی و دیگران (۱۳۹۱) «همخانگی؛ پیدایش شکل‌های جدید خانواده در تهران»، جامعه‌پژوهی فرهنگی، دوره سوم، شماره ۱، صص ۴۳-۷۷.
- آمار جهانی طلاق (۱۴۰۲) نرخ طلاق در سطح نظام جهانی، دانشنامه ویکی‌پی دیای، آمار نگاری طلاق ایران، سایت [https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A2%D9%85%D8%A7%D8%B1%D9%86%DA%AF%D8%A7%D8%B1%DB%8C\\_%D8%B7%D9%84%D8%A7%D9%](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A2%D9%85%D8%A7%D8%B1%D9%86%DA%AF%D8%A7%D8%B1%DB%8C_%D8%B7%D9%84%D8%A7%D9%) <https://www.forbes.com/advisor/legal/divorce/divorce-statistics> ۱.82.
- ابراهیمی منش، مریم (۱۳۹۵) شناسایی روند وقوع پدیده طلاق، ارائه یک نظریه زمینه‌ای، پایان‌نامه دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز.
- افراسیایی، حسین و دیگران (۱۳۹۹) «سازگاری پرنوسان در تعاملات اجتماعی بیماران سرطانی؛ مطالعه کیفی در شهر اهواز»، جامعه‌شناسی کاربردی، دوره سی‌ویکم، شماره ۱ (پیاپی ۷۷)، صص ۱-۱۶.
- بنی‌هاشمی، فریبا و دیگران (۱۳۹۸) «بررسی عوامل جمعیت‌شناختی، اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر احتمال طلاق در ایران در سال ۱۳۹۵»، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، سال چهاردهم، شماره ۲۸، صص ۷-۴۳.
- بهشتیان، محمد و فاطمه عبدی (۱۴۰۱) «بررسی رابطه ویژگی‌های شخصیتی و صمیمیت به عنوان پیش‌بینی‌کننده‌های میل به طلاق در زنان ساکن شهر تهران»، پژوهش‌نامه زنان، دوره سیزدهم، شماره ۳۹، صص ۷۱-۸۹.
- چیل، دیوید (۱۳۸۸) نگرشی جامعه‌شناختی به خانواده‌ها در دنیای امروز، ترجمه محمد مهدی لیبی، تهران، افکار.
- حسینی، رضا و دیگران (۱۳۹۳) «پیامدهای طلاق برای زنان مطلقه شهر مشهد»، مطالعات علوم اجتماعی ایران، سال یازدهم، شماره ۴۲، صص ۳۳-۴۹.
- حسینی، سید علی (۱۳۸۶) انتخابات تجلی مردم‌سالاری، پیام زمستان، شماره ۸۷، صص ۲۰-۲۱.
- ریترز، جورج (۱۳۸۲) نظریه‌های معاصر جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، سمت.
- شفیعی‌نیا، اعظم و دیگران (۱۴۰۰) «تجربه زیسته زنان مطلقه با طلاق‌های غیر منتظره: یک مطالعه کیفی»، فصلنامه خانواده، درمانی کاربردی، دوره دوم، شماره ۴ (پیاپی ۸)، صص ۱۹۲-۲۱۴.
- صادقی فسایی، سهیلا و مریم ایثاری (۱۳۹۲) «بازتعریف خود و ساخت هویت در میان زنان پس از طلاق»، پژوهش‌نامه زنان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال چهارم، شماره ۱، صص ۱۱۱-۱۳۸.
- (۱۳۹۳) «مطالعه جامعه‌شناختی سنخ‌های طلاق»، فصلنامه مسائل اجتماعی ایران، سال ششم، شماره ۱، صص ۱۳۱-۱۵۶.

- عبداللهی، اصغر و دیگران (۱۳۹۹) «تجربه طلاق از منظر زوجین مطلقه در شهر تهران (در پنج سال اول زندگی)»، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، دوره بیست‌وسوم، شماره ۸۹، صص ۱۴۳-۱۶۲.
- فولادیان، مجید و دیگران (۱۴۰۰) «تحلیل جامعه‌شناختی فرایندهای بروز رابطه فرزندناشویی (مورد مطالعه: زنان و مردان متقاضی طلاق در شهر مشهد)»، مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره دهم، شماره ۱، صص ۱-۳۷.
- کرایب، یان (۱۳۸۲) نظریه اجتماعی کلاسیک، ترجمه شهناز مسمی‌پرست، تهران، آگه.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷) پیامدهای مدرنیته، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، مرکز.

- Becker, G. S. (1976). A Theory of Marriage: Part II. *Journal of Political Economy* 82: S11-S26.
- Cure, R. o. (2009) *Grown-up Children of Divorce, Experiences and Health*, Sweden by LiU- Tryck, Linköping.
- Fisher, A. N. Stinson, D. A. Wood, J. V. Holmes, J. G. & Cameron, J. J. (2021) Singlehood and Attunement of Self-Esteem to Friendships. *Social Psychological and Personality Science*, 1948550620988460.
- karty M.. &- edchaz (2011) "Divorce/separation in later-life: A fixed effects analysis of economic wellbeing by gender", *Journal of Family and Economic Issues*, 36.
- Kruk, E. (2021) Discontinuity between pre-and post-divorce father-child relationships: New evidence regarding paternal disengagement. In *The consequences of divorce: Economic and custodial impact on children and adults* (pp. 195-227). Routledge.
- Mendoza, J. E. Tolba, M. & Saleh, Y. (2020) Strengthening marriages in Egypt: Impact of divorce on women. *Behavioral Sciences*, 10(1), 14.
- Oseghale, C. O.(2024) Social Work Services and the Impact of Divorce on Family Wholeness in Nigeria.
- Rinaldo, R., Nisa, E. F., & Nurmila, N. (2024) Divorce narratives and class inequalities in Indonesia. *Journal of Family Issues*, 45(5), 1195-1216.
- Van Winkle, Z. & Leopold, T. (2021) Family size and economic wellbeing following divorce: The United States in comparative perspective. *Social Science Research*, 96, 102541.